

تاریخ حقوق ایران (بخش ششم)

محمدعلی اختری^۱

تاریخ حقوق ایران در دوران اسلامی

کشور پهناور ایران از سال ۶۳۲ میلادی تا ۶۵۱ میلادی به مدت ۱۹ سال مورد حمله و تاخت و یورش اعراب قرار گرفت و با کشته شدن یزدگرد سوم در ۶۵۱ میلادی سلسله ۴۲۰ ساله، ساسانیان سرنگون و منقرض شد ولی گشودن تمام ایران با کشته شدن شاه ایران تکمیل نشد و بعضی از پاره‌های کشور ما تا اواسط قرن دوم هجری هنوز در مقابل اعراب مقاومت می‌کردند و حتی در مازندران و گیلان تا سال ۱۰۰۰ هجری هنوز فرمانروایانی از سلاله ساسانی حکومت می‌کردند که آخرین بازماندگان آنان توسط شاه اسماعیل صفوی مؤسس سلسله صفوی و نهایتاً توسط شاه عباس کبیر سقوط کردند و دگرگونی حاصل از حمله تازیان و تأثیرات حاصله از آن از دو حمله قبلی و بعدی بیشتر بود حمله قبلی به ایران زمین توسط اسکندر مقدونی و حمله بعدی توسط چنگیزخان مغول انجام شد به هر حال سلسله ساسانی به علت قرن‌ها جنگ با روم و فساد داخلی و حکومت ناشایسته‌گان موجبات نارضایتی اکثریت جامعه ایرانی را فراهم آورد. و در بیشتر جنگ‌های بین ایران و اعراب لایه‌های پائینی ارتش با جان و دل نمی‌جنگیدند و در دل خواهان سقوط ساسانیان و رهایی از ظلم و ستم بالفعل در جامعه ایرانی بودند و بعضی از

۱. سردفتر بازنشسته دفتر اسناد رسمی ۱۲۲ تهران، نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه کانون سردفتران و دفتریاران و مدیرمسئول مجله کانون.

قسمت‌های ایران هم بدون جنگ و فقط با تبلیغ خانواده پیامبر که از ستم خلفا به جان آمده و به ایران فرار کرده بودند مسلمان شدند مانند زبیدیان و علویان که اسلام را به مازندان و گیلان هدیه آوردند. و به هر حال مادامی که ایران در ترکیب خلافت اسلامی باقی بود مقررات اسلامی و حقوق اسلامی که در عین حال بیشتر مقتبس از حقوق ساسانی بود بر ایران حاکم شد که به شرح آن می‌پردازیم.

حقوق ایران در ابتدای ورود اسلام تا زمان استقلال: مهمترین و طولانی‌ترین دوره

تاریخ حقوق در ایران، دوران اسلامی است که از پایان ساسانیان ۶۵۱ میلادی (۱۹ هجری) تا ۱۲۸۵ هجری شمسی ۱۳۲۴ هجری قمری حدود ۱۳۰۰ سال ادامه داشته است از حقوق اسلامی با فکر مردم ما گنجینه حقوقی بزرگی پدید آمد نوابغ حقوق اسلام غالباً از میان فرزندان این آب و خاک برخاستند، فکر ایرانی در ذخائر حقوق اسلامی اصالتاً سهیم است ضمن اینکه عربها با خود زبان و خط عربی را به ایران آوردند ولی سرنوشت ایران مانند سایر مناطق اسلامی نبود، با وجود اینکه عده زیادی از قبایل عرب به داخل سرزمین ایران کوچیدند و برای همیشه مسکن گزیدند ولی طولی نکشید تمام آنها زبان و محاورات قبیله‌ای خود را از دست دادند و رنگ زبان و فرهنگ ایرانی گرفتند، ایرانیان در قرن دوم و سوم هجری قمری زمانی که هنوز به استقلال ملی دست نیافته بودند نیز تمام امور اداری و دیوانی حکومت عظیم اسلامی را در اختیار داشتند، از روزی که تازیان بر ایران استیلا یافتند تا آغاز قرن سوم هجری از پایتخت خلافت عمالی برای اداره این نواحی مأمور می‌شدند این عمال سازمان اداری ساسانیان را نگاه داشته و در دریافت مالیات و تقسیمات اداری هیچگونه تصرفی نکردند نواحی عمده ایران که حکمران مستقل داشتند عبارت بودند از فارس، بصره، خراسان، سیستان، طبرستان، موصل، ری، آذربایجان، و ارمنستان و جبال و کرمان و سند^۱ حضرت علی‌علیه‌السلام ماهوی فرمانروای ایرانی مرو را که دست نشاندهی عرب را نپذیرفته بود و در کوفه خدمت حضرت علی رسید ابقاء فرمود و حضرت فرمانی صادر کرد که دهقانان و کدخدایان روستاها جزیه مردم زرتشتی را

۱. سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی ایران، از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، چاپ دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۴۸.

گردآورده به ماهوی بپردازند و او نیز آنها را نزد خلیفه ارسال دارد ظاهراً این ماهوی همان است که باعث کشته شدن یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی شد^۱

به هر حال تاریخ حقوق ایران را ناچار باید از بدو ظهور اسلام پیگیری کنیم.

اهمیت عدل در اسلام: یکی از علت‌های گرویدن ایرانیان به اسلام شعار حق‌طلبی و لزوم رعایت عدل و داد دعوت مردم به برابری و برادری بود قرآن مجید که منبع و مستند الهی فقه اسلامی است مکرر مسلمانان را بر حق‌گذاری و رعایت عدل و قسط فرمان می‌دهد. به طور مثال چند آیه مبارک از آن کتاب کریم ذکر می‌شود: یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق در سوره ص ۳۸ آیه ۲۶ و یا فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین (سوره حجرات آیه ۹).

حضرت علی علیه‌السلام که پس از نبی اکرم اتقی و افضل و اعلم بود و به نقل از عامه و خاصه عمر خلیفه دوم نیز به فتاوی آن حضرت گردن می‌نهاد. در فرمانی که برای مالک‌اشتر نخعی فرماندار مصر صادر کرد فرمودند «برای داوری میان مردم بهترین کس را انتخاب کن، چون به خطای خود آگاه شد بازگردد نه اینکه در اشتباه خود ایستادگی کند حجت و دلیل را بیش از همه فراگیرد، چون او را بستایند فریب نخورد، آنقدر به قاضی ببخش و زندگی او را چنان فراخ‌ساز که نیازش به مردم کم شود، لاحول و لا قوۃ الا بالله^۲. قانون در اسلام: در دیانت مقدس اسلام اساس و اصل قانون، کتاب قرآن کریم است که مورد اتفاق شیعه و سنی است و بعد سنت که گفتار و کردار حضرت محمد پیامبر اسلام (به عقیده اهل سنت) و گفتار و کردار آن حضرت و ائمه اطهار و حضرت فاطمه (به عقیده شیعه) و اخبار یعنی روایاتی که از حضرت رسول و ائمه نقل می‌شود و اجماع قیاس عقل است که هر کدام به طور مختصر شرح داده می‌شود.

۱ - قرآن مجید که در مدت ۲۳ سال به حضرت پیامبر نازل شده مرکب از ۱۱۴ سوره است آیات قرآن بر دو قسمند مکی و مدنی آیاتی که در مکه نازل شده‌اند مکی نامیده شده‌اند و بیشتر شامل آیات اعتقادی است و آیاتی که در مدینه نازل شده‌اند آیات مدنی

۱. دکتر جواد مشکور، تاریخ ایران زمین، ص ۱۲۶.

۲. پروفیسور حسن امین، ص ۱۶۹ و قوه‌مقننه و قوه‌قضاییه، تاریخ حقوق ایران، ایرانشهر، جلد ۲، ص ۹۶۳، علی‌پاشا صالح.

هستند و آیات مربوط به احکام جزء آیات مدنی هستند و دانشمندانی آیات مربوط به احکام را جمع‌آوری کرده و کتاب‌هایی بنام «آیات الاحکام» ترتیب داده‌اند، آغاز نزول آیات قرآن را ماه رمضان می‌دانند تعداد آیات قرآن را به اختلاف از ۶۲۱۰ و ۶۱۷۰ - ۶۲۲۶ ذکر شده و تعداد حروف آن را ۳۲۳۰۱۵ حرف و کلمات آن را ۷۷۴۳۹ کلمه شمرده‌اند از ۱۱۴ سوره قرآن ۹۵ سوره مکی و ۱۹ سوره مدنی است سوره‌های مکی معمولاً سوره‌های کوتاه و سوره‌های مدنی بلندتر هستند طولانی‌ترین آیه قرآن آیه ۲۸۲ سوره بقره می‌باشد که معروف به آیه مداینه یا کاتب‌عدل است و درباره تنظیم اسناد دین نازل شده و از کاتبان اسناد به صفت عادل یاد شده است. قرآن در زمان حیات حضرت رسول جمع‌آوری نشد اولین کوششها در زمان خلافت ابوبکر (۱۱ - ۱۳ هـ) آغاز شد ولی به سامان نرسید ولی در زمان عمر خلیفه دوم (۱۳ - ۲۳) این کوشش‌ها بیشتر شد ولی باز هم صورت نهانی نیافت تا اینکه در زمان خلافت عثمان (۲۳ - ۳۵) به شکل نهایی فعلی تبویب شد و نسخه‌هایی از آن فراهم شده و به عاصمه‌های اسلام یعنی چندین مرکز مهم اسلامی فرستاده شد و قرآنی که اینک در دست مسلمانان است همان است که در زمان عثمان مکتوب شد و بقیه نسخه‌های قرآن که به ترتیب دیگری فراهم شده بود از میان برده شد.

۲ - سنت در لغت به معنی رسم، روش، طریق ولی در اصطلاح حقوقی اسلامی فرموده رسول (ص) و کرده او می‌باشد. سنت بر سه قسمت است: قول، فعل، اقرار قول هر آنچه رسول فرموده است و از او روایت شده است فعل آنچه را که رسول (ص) انجام داده است و تقریر، آنچه را که دیگران در حضور حضرت رسول انجام داده‌اند یا آن حضرت آن اعمال را شنیده‌اند ولی انکار نفرموده‌اند اعم از فعل و ترک فعل.

۳ - اجماع: اتفاق رأی مجتهدین از امت محمد (ص) در یک عصر در خصوص یک امر دینی.

۴ - عقل: در دیانت شاخه شیعه ایرانی یکی از منابع حقوق عقلی است.

و گویند هر چیزی را که عقل به آن حکم کند شرع هم بدان حکم کند یا بالعکس هر چیزی را که شرع به آن فرمان دهد عقل هم آن را می‌پذیرد.

عقل را چنین تعریف کرده‌اند، خرد، دانش و دریافت صفات اشیاء از حسن و قبح و

کمال و نقصان و خیر و شر، نقیض جهل ولی میان اهل تسنن به جای عقل از قیاس بهره می‌گیرند.

۵ - قیاس: عبارت از حکمی است در مورد کاری که در شریعت معلوم باشد پس امور دیگر را که با آن حکم در علت یکسان است قیاس یا مقایسه می‌کنند و همان حکم اول را نسبت به حکم اخیر صادر می‌نمایند.

با توجه به منابع بالا - علمای اسلام در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله آن علم فقه را بوجود آورده‌اند که کتب بسیاری در این علم نوشته شده به طوری که در ابتدای قرن دوم هجری فقط در شیعه ۴۰۰ کتاب مدون شد که آنها را اصول اربعمائه، گفته‌اند به هر حال در علم فقه در میان اهل سنت ۶ کتاب فقهی منابع اصلی حقوق اسلامی را تشکیل می‌دهد و آنها را صحاح سته می‌گویند و آنها عبارتند از: ۱- الجامع الصحیح تألیف محمد بن اسماعیل بخاری (متوفی ۲۵۶) ۲ - صحیح نیشابوری تألیف ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری (متوفی ۲۶۱)، ۳ - سنن ابن ماجه (تألیف ابن ماجه قزوینی) متوفی ۲۷۳ هـ ق ۴ - جامع ترمذی تألیف (ترمذی متوفی ۲۷۹ هـ ق ۵ - سنن ابوداود سجستانی (سیستانی) متوفی ۲۷۵ و ۶ - سنن نسائی متوفی ۳۰۳ اهل نساء، شهری در خراسان و چهار مکتب (مذهب) فقهی هم وجود دارد که مؤسسين آن مذاهب عبارتند از ۱ - امام ابوحنیفه (نعمان بن ثابت بن نیک‌بخت بن هرمز بن شادبخت بن شاه میربن کنارنگ بن قباد بن فیروز که کنارنگ را برادر انوشیروان دانسته‌اند در سال ۸۰ هجری قمری در شهر کوفه به دنیا آمد و در ۱۵۰ هجری قمری در همان شهر درگذشت و او اعظم فقهای اهل تسنن است.

۲ - احمد بن حنبل متولد سال ۱۶۴ هجری قمری اهل مرو بود و در ۲۴۱ هجری قمری در گذشته پدرش والی سرخس بود. او استاد محمد اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری مؤلفان دو صحیح از صحاح سته است.

۳ - امام مالک ابن انس (۹۷ - ۱۷۸) پیشوای مذهب مالکی نام او مالک ابن انس بن مالک الاصبیحی الحمیری مکنی به ابو عبدالله - مردی متدین بود و از امراء و سلاطین دوری می‌جست صاحب کتاب الموطاء - وی بر احادیث و سنن حضرت رسول و صحابه رغبت تمام داشت ولادت و وفات او در مدینه اتفاق افتاد.

۴ - شافعی: محمد بن ادريس بن عباس بن عثمان بن شافع معروف به امام شافعی متولد در سال ۱۵۰ هـ ق سال وفات ابوحنيفه و متوفی در ۲۰۴ هـ قمری از شاگردان مالک بن انس - مؤسس مذهب شافعی آرای او از تمام آراء - ائمه اهل سنت به شيعه نزدیکتر است.

توجه شود که تمام نویسندگان و مؤلفان صحاح سته و دو نفر از چهار نفر مؤسسان مذاهب اهل سنت ایرانی هستند خلیفه سلیمان بن عبدالملک ۹۶ - ۹۹ گوید «در شگفتم که ایرانیان بیش از ۱۰۰۰ سال فرمانروایی کردند و به ما محتاج نشدند و ما صدسال حکومت کردیم و آنی از ایشان بی‌نیاز نشدیم»^۱

ابوالموید موفق مکی روایت می‌کند که در زمان هشام بن عبدالملک عطا شامی از پدرش نقل قول کرد که نزد هشام بودیم هشام پرسید: راجع به علمای سرزمین‌های اسلامی اطلاعی داری یا خیر؟ گفت بلی بعد هشام پرسید فقیه مدینه کیست؟ جواب شنید نافع غلام آزاد شده و بعد پرسید عرب است یا غیرعرب جواب داده شد که عجم است و این پرسش و پاسخ ادامه می‌یابد و معلوم می‌شود که فقیه مکه عطاء بن ابی‌ریاح عجم است و فقیه مردم یمن طاووس بن کیسان عجم است و همین‌طور فقیه مردم یمامه یحیی بن کثیر فقیه شام مکحول و فقیه الجزیره میمون بن مهران، فقیه خراسان ضحاک بن مزاحم، فقیه عراق حسن بن ابی‌الحسن، فقیه مردم قباء ربیعۃ الرای که همگی آنها از نژاد ایرانی بوده‌اند^۲

منابع فقه شيعه: همانطور که اهل تسنن از اسلام دارای صحاح سته و چهار مذهب فقهی می‌باشند اهل تشیع هم دارای کتب اربعه می‌باشند.

- ۱ - من لایحضره الفقیه تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق متولد ۳۰۶ هـ قمری متوفی ۳۸۱ هـ قمری
- ۲ - الکافی: تألیف ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی ملقب به ثقة الاسلام کلینی متولد حدود ۲۵۵ هجری و متوفی ۳۲۹ - ۳ - تهذیب الاحکام تألیف

۱ . علی‌باشصالح، قوه مقننه و قضائیه، ایرانشهر ، جلد دوم ، ص ۹۶۳.

۲ . مؤلف، نقش ایرانیان در فقه اسلامی، ص ۵۳ و ۵۴.

ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی بن حسن طوسی متولد ۳۸۵، متوفی ۴۶۰ ملقب به شیخ الطایفه و شیخ ۴ - الاستبصار دومین کتاب شیخ طوسی و چهارمین کتاب از کتب اربعه است^۱ شیعه هم به چندین فرقه منقسم شده است. ۱ - مذهب شیعه زیدیه ۲ - مذهب شیعه اسماعیلیه ۳ - مذهب شیعه امامیه یا اثنی عشریه که اکثریت فرقه شیعه را تشکیل می‌دهد. شیعه زیدیه پس از رحلت حضرت امام زین‌العابدین دسته‌ای امامت حضرت امام محمد باقر فرزند ایشان را نپذیرفتند و به امامت زید بن علی بن حسن اعتقاد پیدا کردند و این فرقه مذهب اکثریت در کشور یمن است.

شیعه اسماعیلیه: پس از درگذشت حضرت امام جعفر صادق فرزند او اسماعیل را که پیش از حضرت صادق درگذشته بود به امامت قبول داشتند و لذا فرزند اسماعیل را بعد از حضرت صادق پیروی کردند (مذهب اسماعیلی) و آنان در ایران و تاجیکستان و افغانستان و هندوستان پراکنده‌اند.

علاوه بر فرقه‌های مرقوم شیعه اثنی عشریه یا امامیه در زمان‌های اخیر هم به شعباتی منقسم شده که یکی فرقه شیعه اخباریه در قبال شیعه اصولی و دیگری شیعه شیخیه از پیروان شیخ احمد احسائی که در ۱۲۴۱ هـ ق درگذشت، اخباریه کسانی بودند که در استنباط احکام اسلام بر اخبار تکیه می‌کردند ولی اصولیون برای فهم احکام از قرآن از اصولی مانند اصل برائت، اصل استصحاب و دیگر مقرراتی که فهم اخبار را آسان می‌کرد استفاده می‌کردند شیخیه از اصول پنج‌گانه شیعه اصل عدل و معاد را از اصول دین جدا و جزء معتقدات عمومی قلمداد و در عوض آن به اصلی به نام رکن رابع یا شیعه کامل معتقد بودند و اصول دین از نظر آنها، توحید، نبوت، امامت، رکن رابع بود و رکن رابع کسی را می‌دانستند که در زمان غیبت امام دوازدهم (ع) با او ارتباط داشته و حکم احکام را مستقیماً از او دریافت می‌کرده است.

برای فهم بهتر تاریخ حقوق ایران در دوران اسلامی باید به چند اصطلاح اشاره نمایم.

- ۱ - دوران تشریح، ۲۳ سال دوران حضرت رسول بعد از بعثت تا رحلت را دوران تشریح نمایند ۲ - دوران تفریح بنا به عقیده اهل تسنن دوران تفریح یا تفقه بلافاصله پس از

رحلت حضرت پیامبر آغاز می‌شود و با فوت آخرین پیشوای تفقه اهل تسنن یعنی اواسط قرن سوم هجری پایان می‌یابد ولی به عقیده شیعه دوران تشریح تا سال ۳۳۰ هجری قمری سال غیبت کبری حضرت امام دوازدهم ادامه داشته و از آن به بعد دوران تفریع است.

۳ - صحابه - کسانی که در دوران زندگانی حضرت رسول به حضور ایشان رسیده و با حالت ایمان از او استماع حدیث نموده و به حالت ایمان هم از دنیا رفته باشند این دوره تا ۱۰۰ هجری ادامه دارد.

۴ - تابعان کسانی که به حضور و صحبت یکی از تابعان پیامبر، رسیده و درک مطلب از آنان کرده باشند ولی دوران حضرت رسول را درنیافته باشند.

۵ - اجتهاد: استنباط مسائل شرعی از قرآن و حدیث و اجماع به شرایطی که در علم اصول مقرر است و شرایط مجتهد تسلط به زبان عربی - استطاعت بر استخراج احکام از منابع فقهی که روایت صحیح و سقیم را بشناسد ناسخ و منسوخ را بداند از تفسیر و تاریخ اسلام هم مطلع باشد به قولی ۱۴ علم را برای اجتهاد لازم دانسته‌اند.

۶ - تقلید مردمان دیگری که چنین توانایی را ندارند ناچار باید از کسی که مجتهد باشد پیروی کنند و احکام اسلام را از طریق او دریافت نمایند.

۷ - علم اصول - موضوع علم اصول ادله کلی شرعی است و به کمک این ادله کلی می‌توان درباره چگونگی استنباط احکام شرعی قضاوت کرد از اواسط قرن پنجم هجری کتب متعددی درباره اصول فقه توسط دانشمندان نوشته شده که از آن جمله کتب تهذیب و نه‌ایة الاصول از علامه حلی، اصول کافی کلینی، قوانین، میرزای قمی، کفایت الاصول، آخوند خراسانی می‌باشند.

در مواردی که فقیه یا مجتهد برای جواب مسأله‌ای نصی را نمی‌یافت، (در قرآن و اخبار)، موضوع را بررسی می‌کردند و با قیاس و اجماع و دیگر ادله شرعی با اجتهاد حکم را استنباط و بیان می‌کردند.

حقوق قضایی اسلام - پس از خلفای راشدین، به قول ابن شهر آشوب پس از جمع‌آوری قرآن، نخستین کسی که در اسلام تصنیف کرده سلمان فارسی بوده است.

در زمان عمر سلمان فارسی بر مداین والی بود، اسلام پس از ولایت باری تعالی و ولایت باطنی پیغمبر اکرم و خلفاء صالحین و ائمه طاهرین ولایت حکام و قضات است، در دوره اسلامی قضات و حکام محاکم از طرف رئیس حکومت یعنی خلیفه برگزیده می‌شد، نخستین خلیفه‌ای که این وظیفه را به امیران و والیان خویش تفویض کرد عمر بود که شریح را در بصره و ابوموسی اشعری را در کوفه و ابوالدرداء را در مدینه به منصب قضا گماشت^۱

اصول اساسی حقوق قضایی در اسلام: صلاحیت ذاتی دادگاهها - اصل عدالت اصل تفوق نظام شرع، اصل بیطرفی قاضی، تساوی طرفین دعوی، اصل علنی بودن دادرسی، اصل لزوم اثبات دعوی از سوی مدعی (البینه علی المدعی) و کفایت سوگند برای منکر^۲، قاضیان در حکومت اسلامی اولین قاضیان سرزمین‌های ایرانی سلمان فارسی برای مداین، ابن عباس برای قسمتی دیگر از ایران و زیادبن ابیه، از طرف حضرت علی برای فارس که بعداً از طرف بنی‌امیه در شغل خود ابقاء شده

شرایط خاص ۱ - ذکوریت ۲ - بلوغ ۳ - عقل ۴ - اسلام ۵ - عدالت (عدم ارتکاب کبائر و عدم اصرار به صغائر) ۶ - طهارت مولد ۷ - حریت ۸ - سلامتی جسمی و روانی ۹ - اجتهاد تخصص در قضای اسلامی^۳

انواع کیفرها: الف - حدود: کیفری است که اندازه آن در شرع تعیین شده است مانند سنگسار کردن برای زنا، محصنه، قطع انگشت سارق

ب - تعزیرات، کیفری است که اندازه آن در شرع تعیین نشده است و تعیین آن به موجب اوضاع و احوال زمان و مکان، به نظر قاضی موکول است.

ج - قصاص در قتل عمد برای اولیاء دم انتخاب بین قصاص و دیه برای اولیاء دم
د - دیه: در قتل خطایی (شبه عدم) دیه مقرر است.

جنگالی‌ترین و تاریخی‌ترین پرونده قضایی عصر خلفاء راشدین قضیه دادخواهی حضرت فاطمه از مصادره قریه فدک بود ابوبکر خود حکم به نفع حضرت فاطمه صادر کرد

۱. علی‌باشا صالح، قوه‌مقننه و قوه‌قضاییه، ایرانشهر، ج ۲، ص ۹۶۵.

۲. سیدحسن امین، تاریخ حقوق ایران، ص ۱۷۱.

۳. همان، ص ۱۷۳.

ولی عمر با آن اعتراض کرد و با شهادت عمر و ابو عبید جراح حکم خلیفه تغییر کرد و فدک را از حضرت فاطمه گرفتند^۱ دیگر از موارد قضایی رسیدگی به اقرار زنی که ادعا می‌کرد در بیابان از فرط تشنگی تسلیم مرد چوپانی شده است و دخالت حضرت امیر که در اثر اجرای قاعده اضطرار زن را تبرئه کردند.

دیگر داستان فیروز یا ابولولو ایرانی اهل نهاوند است که حرفه نقاشی - نجاری و آهنگری و آسیاب‌گردانی را می‌دانست و نزد مغیره بن شعبه غلام بود و او از غلام خود ماهانه صد درهم می‌خواست و او هم نزد عمر به شکایت آمد ولی عمر به خاطر چندین هنری که داشت او را مستحق تخفیف ندانست و ابولولو، کینه او را به دل گرفت و وقتی عمر از او درخواست کرد در مدینه آسیای بادی بسازد و او سر جنبانید و گفت اطاعت می‌کنم، آسیایی برایت بسازم که آوازه آن در شرق و غرب جهان بیچد و تا روز قیامت یاد آن در خاطره‌ها بماند^۲

البته، ابولولو به تهدید خود عمل کرد و روزی که عمر برای بازدید از آسیاب او حاضر شد به او گفت به عنوان تبرک دست خود را زیر سنگ آسیاب بگذارد که ابولولو آسیاب را به کار انداخت و عمر به قتل رسید.

ولی برخی مورخین نوشته‌اند که فیروز در مسجد به عمر حمله کرد و تهی‌گاه او را با خنجر بشکافت و خلیفه روز بعد فوت کرد و ابولولو پس از ترور عمر به ۱۲ نفر دیگر حمله کرد که ۶ نفر مقتول و ۶ نفر مجروح شدند و خودش هم به دست پسر عمر به قصاص خون عمر به قتل رسید.^۳

دیگر داستان گم شدن زره حضرت امیر و پیدا شدن آن نزد یک نفر یهودی است که حضرت به قضاوت قاضی منصوب خود شریح اعتراض کرد که چرا در جلوی پای ایشان برپا ایستاده و اشاره به اینکه قاضی نباید فرقی بین دو طرف قضیه قائل شود.

و دیگر داستان حکمیت یا داوری بین امام علی (ع) و معاویه بود که توسط عمرو عاص نماینده معاویه و ابوموسی اشعری نماینده سپاه حضرت علی است و حضرت علی برای

۱. همان، ص ۱۷۹.

۲. همان، ص ۱۸۳.

۳. همان، ۱۸۳ تا ۱۹۰.

رعايت السواد الاعظم یعنی اکثریت سپاهان خود به آن حکم تن در داد.
حقوق اداری اسلام: شکل حکومت، حکومت اسلامی ماهیت مخصوص دارد.
الف - رئیس حکومت یک نفر است (از این جهت با جمهوری فرق دارد).
ب - رئیس حکومت مسئول اعمال خود است (با حکومت استبدادی فرق دارد).
دیگر از مواردی که در خصوص قضای اسلامی باید تذکر داد موضوع تشکیل دیوان نظام است که در عهد عبدالملک مردان خلیفه اموی (۶۵ - ۸۶) به تقلید از بار عام پادشاهان ساسانی ایجاد شد و آن این بود که خلیفه خود یک روز معین را در هفته بار عام می داد و خود بر مسند قضا می نشست و هرکسی از هر طبقه شکایتی داشت شخصاً به حضور خلیفه می آمد و خلیفه پس از شنیدن شکایت به نحو مقتضی رفع ظلم می نمود، اگر موضوع پیچیده و محتاج حکم شرعی بود از فقهاء و علمای حاضر در مجلس استشاره می کرد.^۱

۳ - مدت حکومت موقتی نیست (تفاوت با جمهوری)

۴ - حکومت موروثی نیست و انتخابی هم نیست (تفاوت با استبدادی)

پس حکومت اسلامی (صدر اسلام) نه حکومت دموکراسی است و نه حکومت استبدادی زیرا در حکومت دموکراسی قدرت حکومت ناشی از ملت است که آن را مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می کند و در حکومت دیکتاتوری دیکتاتور به حقوق مردم و قانون توجه ندارد و مطلق العنان خواسته های خود را اجراء می کند و این هر دو با حکومت اسلامی تفاوت دارد.^۲

حقوق رئیس حکومت ۱ - ریاست قوای سه گانه ۲ - اداره اموال عمومی و اراضی و خراج

۳ - اعلام جنگ و صلح ۴ - وصول مالیات ها ۵ - فرماندهی کل نیروی نظامی ۶ - عقد معاهدات با دول دیگر ۷ - استخدام مأمورین دولت^۳

منابع عمده درآمد دولت اسلامی ۱ - جزیه (گزیت) از اقلیت ها گرفته می شد ۲ - خراج و مالیاتی که از اراضی کشاورزی وصول می شد ۳ - انفال ۴ - هدایای ایام عید نوروز که

۱. همان، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

۲. دکتر جعفری لنگرودی، تاریخ حقوق ایران، ص ۲۴ و ۲۶.

۳. همان، ص ۴۴ تا ۴۸.

در زمان خلافت اموی و عباسی معمول شد ۵ - زکوة ۶ - خمس که شامل غنیمت جنگ، گنج، غواصی مال مخلوط به حرام، زمینی که شخص ذمی بخرد. و منافی که شخصی از کسب به دست آورد.^۱

حقوق عام مردم (مسلمانان) به طور مختصر به شرح زیر است.

۱ - اصل حکومت قانون ۲ - تساوی در مقابل قانون ۳ - تساوی در برابر دادگاهها ۴ - تساوی در پرداخت مالیات ۵ - تساوی تصدی در مشاغل رسمی ۶ - تساوی در خدمات نظامی ۷ - آزادی شخصی ۸ - مصونیت منزل ۹ - اختیار مال ۱۰ - آزادی شغل ۱۱ - آزادی عقاید مذهبی ۱۲ - آزادی عقاید سیاسی ۱۳ - آزادی در تعلیم و تربیت^۲

در حکومت‌های اسلام ملت به مفهوم امروزی معمول نبوده، بلکه کلمه (امت) به جای ملت به کار می‌رفته و مسلمانان در سه طبقه محصور بودند ۱ - مسلمانان آزاد که اکثر سکنه قلمرو اسلامی آزاد بودند و از تمام موارد بالا برخوردار بودند ۲ - بردگان مسلمان که از بسیاری از حقوق بالا محروم بودند ۳ - اهل ذمه که استقلال سیاسی نداشتند ولی در عمل به احوال شخصیه تا جایی که با احکام اسلام مغایرت نداشت عامل بودند ۴ - طبقه دیگری بودند که ذمی هم نبودند و در کشور اسلامی اقامت داشتند و مستامن و معاهد نامیده می‌شدند^۳

مقامات کشوری در حکومت اسلامی ۱ - خلیفه ۲ - وزیر ۳ - والی ۴ - سلطان ۵ - قاضی ۶ - عامل جمع‌آوری زکوة ۷ - قاسم ۸ - حاسب ۱ - خلیفه که به حقوق و اختیارات او قبلاً اشاره شد.

۲ - وزیر که معاون خلیفه بود و مسئولیتی هم نداشت و سمت مشاورت حاکم را هم داشت.

۳ - والی: نظم محل حکومت خود را به عهده داشت و مراقب حسن جریان قانون بود. و صلاحیت قضایی را در ایام خلافت اموی و عباسی را هم داشت نگهداری ارتش محلی هم به عهده او بود.

۱. همان، ص ۴۴ و ۵۰.

۲. همان، ص ۵۱، ۵۳.

۳. همان، ص ۱۲۵.

۴ - سلطان: مقامی شبیه والی را داشت بیشتر در زمان استقلال داخلی سلاطین اولیه ایران مانند طاهریان، صفاریان و غیره.

۵ - قاضی: شرح وظایف او قبلاً گفته شد.

۶ - عامل وصول زکوة: از کارمندان دولت بود.

۷ - قاسم: در کارگاه‌های مربوطه به تقسیم اموال متاع مشغول بود.

۸ - حاسب: کارمندانی که در محاسبات دخل و خرج مملکتی کار می‌کردند^۱

علاوه بر مقامات بالا، سه مقام دیگر در دوران خلافت عباسی به وجود آمدند اول والی مظالم که دو نوع بوده است والی مظالم خاصه به برخی از تخلفات محاکم و مأمورین دولت و والی مظالم عام که به تمام تخلفات رسیدگی می‌کرد.

دوم - نقابت بعضی از طوایف مانند عباسیان برای خود حقوق اضافه‌ای می‌خواستند و بدین جهت رئیسی از آن طایفه برگزیده می‌شد که او را نقیب می‌گفتند و دو نوع بود نقابت خاصه برای حفظ انساب در طایفه، نظارت بر مشاغل افراد طایفه وصول خمس از افراد طایفه و پرداخت آن به حکومت و نقابت عامه علاوه بر سمت‌های بالا سمت قضایی هم داشته و حفظ اموال ایتام و تزویج زنانی که ولی نداشتند (تقریباً دادگاه مدنی خاص امروزه) به عهده او بوده است.

سوم - مصدقین و ائمه جماعات وصول صدقات و زکوة اموال غیرقابل اختفاء مانند گندم و قابل اختفاء مانند طلا و نقره به عهده مصدقین بود.

امام جماعت دو نوع بود امام جماعت مساجد سلطانی و امام جماعت مساجد عامه.^۲

محتسب: در اواخر حکومت عباسی سمتی به نام محتسب به وجود آمد که کار او جلوگیری از بی‌نظمی و ناامنی در روابط مردم بود (مانند پلیس امروز)، ولی قسمتی از وظایف شهرداری و دادستان امروزی را هم تصدی می‌کرده است اهم وظایف محتسب به شرح زیر بود.

۱ - حفظ نظم ۲ - نظارت در معاملات و دادوستد مردم ۳ - حفظ نظافت شهر ۴ -

تأمین آذوقه شهر ۵ - نظارت بر طرز ساختمان‌ها ۶ - نظارت بر امور اصناف ۷ - نظارت بر اوزان و مقادیر

از بدو ورود اسلام به ایران سکه‌های نقره زمان ساسانیان و پول طلای بیزانس در سراسر قلمرو خلفاء جریان داشت در زمان عبدالملک مروان (۶۱ - ۸۶) ضرب سکه‌های جدید آغاز شد روی سکه عبارت لا اله الا الله - محمد رسول الله و در پشت سکه نام خلیفه وقت ضرب گردید یک دینار طلا معادل ۴/۲۵ گرم ابتدا معادل ۱۰ درهم نقره و بعدها ۱۲ تا ۲۰ درهم نقره بود (درهم نقره ۲/۹۷ گرم نقره) و تمام اصطلاحات حقوقی دیوان و اداری در دبیرخانه خلیفه به زبان محلی یعنی فارسی میانه بود که از آن زمان به تدریج زبان عربی تبدیل گردید^۱ در زمان عبدالملک مروان حجاج سردار خونخوار عبدالملک به والی‌گری عراق ایران و ماور النهر منصوب شد، یکی از ددمشنان روزگار خود بود و اصول اسلامی را رعایت نمی‌کرد و در زمان حکومت ۲۰ ساله خود ۱۳۰ هزار نفر را نابود کرد و در روزمرگش ۵۰ هزار مرد و سی هزار زن در زندان‌ها به سر می‌بردند این زندانیان علاوه بر کسانی که در قیام علیه حکومت شرکت کرده بودند عده زیادی هم متخلفان مالیاتی بودند علی‌الخصوص دستور داده بود مردان اهل ذمه (زرتشتیان، مسیحیان، یهود) بایستی پلاک سربی به گردنشان آویزان می‌کردند این پلاک سربی نشانه آن بود که جزیه خود را پرداخته‌اند.

قیام عظیم زیدبن علی (پسر حضرت امام‌زین‌العابدین) در زمان او صورت گرفت و سرکوب شد و نیز قیام خوارج به رهبری ضحاک‌بن قیس از بین‌النهرین آغاز و سرتاسر خوزستان و فارس را فرا گرفت و ۱۲۰ هزار نفر کشته داد^۲ مگر حکومت اسلامی، در زمان حضرت محمد (ص) در مدینه و در زمان خلافت حضرت امیر(ع) تا ۴۰ - ۳۵ به کوفه منتقل شد و بعد از صلح معاویه با امام حسن به دمشق و در زمان نخستین خلیفه عباسی (سفاح)(۱۳۲ - ۱۳۶) مرکز خلافت از دمشق به بغداد منتقل شد و تا سال ۶۵۶ هجری قمری در همان جا مستقر بود^۳ در زمان حکومت امویان سه جریان بزرگ مذهبی در

۱. تاریخ ایران ا. آ - گرانتوسگی و دیگران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، ص ۱۸۴، چاپ سوم ۱۳۶۱، انتشارات پویش.

۲. همان کتاب، ص ۱۸۵ تا ۱۸۶.

۳. همان کتاب، ص ۱۱۷.

سراسر قلمرو خلافت سربرآوردند ۱ - اکثریت جامعه که خود را اهل سنت و جماعت می‌نامیدند با اعتقاد به انتخابی بودن خلیفه ولی فقط در قبیله قریش اما در زمان امویه موروثی شد ۲ - پیروان و طرفداران حضرت علی و خانواده پیامبر که معتقد بودند امامت باید موروثی و امام خلیفه تنها فرزندان و نوادگان حضرت علی می‌توانند باشند ۳ - خوارج که یک جریان دموکراتیک در اسلام بودند آنها طرفدار برابری بودند و تساوی حقوق مسلمان عرب و غیرعرب را وجهه همت خود قرار دادند و حق انتخاب شدن به حکومت را (خلیفه) از آن همه مسلمانان می‌دانستند و می‌گفتند اگر خلیفه امید جماعت را برآورده نکند مردم حق دارند او را از مقام خود برکنار نمایند و مردم می‌توانند از خلیفه بناحق اطاعت نکنند و علیه او قیام نمایند - خوارج ابتدا از میان عربها برخاستند ولی به زودی ایرانیان بسیاری به آنان پیوستند.^۱

نتیجه استیلای تازیان بر ایران: اهمیت اجمالی اسلام مخصوصاً در ایران تأسیس بنیاد جدیدی است که بسیاری از ناگواری‌ها و نگرانی‌های دیرین را برانداخته است اسلام برابری کامل در میان همه طبقات فراهم کرد، امتیازات خانوادگی، طبقاتی و نژادی را از میان برداشت.

در زمان عمر خلیفه دوم وی اجازه داد که حکومت‌های محلی بر سر کار خود باقی بمانند و کاروی تنها تعیین فرمانده (امیری) بود که باهمراه شخصی به نام عامل که در محل حاضر می‌شدند و در مقابل مدینه مسؤول بودند.

اگر سرزمین‌های غیرحجاز با بستن پیمان تسلیم می‌شدند اراضی خود را حفظ می‌کردند ولی اگر با جنگ تسلیم می‌شدند اراضی آنها مصادره می‌شد ولی باز هم اراضی در اختیار زارعین قرار می‌گرفت و اراضی دولتی و خالصه و بی‌صاحب کسانی که اراضی خود را رها کرده و فرار کرده بودند، آنها را بین جنگجویان و کسانی که مصدر خدماتی برای حکومت اسلامی شده بودند تقسیم می‌کرد، سهم دولت از درآمدهای این زمینها هم به بیت‌المال می‌رسید، عمر دیوانی تأسیس کرد؛ به تقلید از دولت ساسانی که ثبت و ضبط اسامی حقوق بگیران را به عهده داشت،^۲ در زمان خلفای راشدین (ابوبکر - عمر - عثمان -

۱. تاریخ ایران در سده‌های میانه: ای - پ - پتروشفسکی، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، ص ۱۸، چاپ انتشارات دنیا، چاپ اول مرداد ۱۳۵۹.

۲. تاریخ اسلام، کمبریج، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

علی (ع) تا سال «۳۴» هجری قمری رهبر حکومت انتخابی بود و تا آخر عمر بر سمت خود باقی بود ولی پس از حضرت علی در زمان خلافت معاویه انتخاب رئیس دولت از حالت انتخابی به صورت موروثی درآمد که در تمام زمان دوران اسلام ایران از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی چه در زمان دوران خلافت اموی، عباسی، استقلال ایران - مشروطه - ادامه داشت.

در خصوص تشکیل دیوان باید توجه داشت که تا زمان ابوبکر غنائم چندان زیاد نبود ولی در زمان عمر در نتیجه گسترش دامنه حکومت به ایران و ازدیاد غنائم جنگی از خزائن شاهان ایران کار تقسیم عواید مشکل شد، یکی از مرزبانان ایران به نام هرمزان وقتی عمر را در این باره درمانده دید گفت: در کشور ایران با کمک سازمانی به نام دیوان کلیه خرج و دجل مملکت ثبت می‌شد و حقوق و مستمری اشخاص به طور منظم پرداخت می‌شد و هیچگاه اشکالی پیش نمی‌آمد عمر خوشحال شد. دستور داد طبق تعلیمات او تشکیلاتی به وجود آورند تقریباً از سال ۱۵ هجری (۶۳۶) با مداخله ایرانیان دیوانی تأسیس شد که منشیان و مدیران دیوان مالیاتی فارسی زبان بودند کلمه دیوان از واژه دیپ به معنی نوشتن است که کلمات دفتر - دبیر، دبستان و کلمه تدوین و مدون عربی از دیوان اخذ شده است. بعدها علاوه بر دیوان مالی، دیوان خراج مأمور وصول مالیات‌های نقدی جنسی براساس دفاتر مالیاتی هم به وجود آمد، که شامل چندین دفتر بود ۱- حسابداری اعمال ۲- حسابداری ارتش ۳- دفتر امور استخدام ۴- دفتر خزانه ۵- تعیین حقوق کارمندان دولت منابع مالی دولت اسلامی ابتداء منحصر به ذکوة بود در واقعه بدر غنائم به آن اضافه شد، کمی بعد پیامبر اسلام با عده‌ای یهود و نصاری مقیم عربستان قرارداد صلح امضاء و جزیه مقرر شد، در زمان خلافت عباسی به ۱۱ فقره رسید، به این شرح ۱- ذکوة یا صدقه ۲- خراج ۳- جزیه ۴- خمس معادن ۵- مستغلات ۶- عواید ضرابخانه ۷- عشر کشتیرانی ۸- عواید گمرکی خارجی ۹- عواید گمرکی داخلی در ایران ۱۰- مالیات ماهیگیری ۱۱- مالیات صنعتگری - علاوه بر آنها خمس و هدایا یا آیین هم

دریافت می‌شد.^۱

اسلام و حقوق بشر

خداوند به پیامبر(ص) فرمود: لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً؛ بنده هیچکس جز خدای خود نباش خداوند ترا آزاد آفریده است.

در فرمان حضرت امیر (ع) به مالک اشتر نخعی آمده است که بر مردم همچون درنده خونخوار مباش زیرا مردم دو دسته‌اند یا برادر دینی توآند یا مانند تو؛ لاتکون علیهم سباً ضاریا تغتتم اکلهم فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق.^۲

در «تاریخ حقوق» علی پاشا صالح درباره آزادی عقیده و بیان آمده است:

فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه؛^۳ بشارت ده کسانی را که گوش فرا دهند و از نیکوترین گفتارها پیروی کنند. در جای دیگر خطاب به کافران در آزادی مذاهب و ادیان سخن می‌گوید: لکم دینکم ولی الدین. ولا اکراه فی الدین.^۴

در امور کیفری فرمود تا بتوانید حدود را با تمسک به شبهات رفع کنید و هرگاه برای مسلمانی گریزگاهی از حدود بیابید او را رها سازید زیرا به حقیقت اگر پیشوا به خطا عفو کند بهتر از آن است که به خطا کیفر دهد: ادراوالحدود بالشبهات ما استطعتم فان و جدتم بمسلم مجزاً فخالو سبیله فان الامام لآن یخطئی فی العفو خیر من ان یخطئی فی العقوبة.

منشاء قدرت بمدلول اعلامیه جهانی حقوق بشر اراده مردم است و در اسلام امور مردم برعهده خود مردم و مسؤولیت همگانی است و گردش کار بر محور و مدار مشورت است، کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیة.

و شاور هم فی الامر^۵ و امرهم شورا بینهم^۶

۱. همان، صص ۵۲ تا ۷۰.

۲. به نقل از نهج البلاغه صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۳. قرآن کریم، سوره الزمر، ص ۱۸.

۴. قرآن کریم، سوره ۱۰۹ آیه ۶، سوره بقره آیه ۱۰.

۵. قرآن کریم، آل عمران آیه ۱۵۳.

۶. قرآن کریم، سوره شوری آیه ۳۸.

البته ناگفته نماند حقوق اسلامی بسیار گسترده هم از جنبه تاریخی و هم از جنبه جغرافیایی در سراسر کشورهای اسلامی تاریخ محلی خود را دارد و آنچه که در این برهه از زمان و مکان یعنی تاریخ حقوق ایران در زمان صدر اسلام تا سلاطین نیم مستقل و مستقل ایرانی موردنظر ما است و از زمان استقلال ایران تا زمان حاضر درست است که حقوق ایران منطبق با حقوق اسلامی مکتب سنی و شیعه است ولی دیگر تحت عنوان تحولات و تاریخ حقوق اسلام مورد بررسی و توجه نیست بلکه تاریخ حقوق ایران از جنبه اسلامی مورد مطالعه است گسترش اسلام از غرب به حیظه نفوذ روم و از شرق تسلط آن بر سرزمین‌های ایرانی مورد تحولات گوناگون و گاه متفاوت قرار گرفته است، به خصوص از آن جنبه‌هایی از حقوق که در قرآن و سنت جوابی ندارد و حل آن به اجماع و عقل و قیاس و عرف ارجاع شده است و چون عرف اسلام غربی و عرف سرزمین‌های خلافت شرقی با هم تفاوت دارد لذا تکامل حقوق اسلامی در محدوده آزاد حقوقی تحت تأثیر حقوق روم در غرب و حقوق ساسانی در شرق قرار گرفته است و این تأثیر از لحاظ حقوق مالیاتی و حقوق اداری در شرق بسیار بیشتر است.

تاریخ منابع حقوق در اسلام

در دوران حضرت رسول و خلفای راشدین تا سال ۴۰ هجری قمری هیچ مسأله مفروض یا خیالی مورد بحث و اظهارنظر واقع نمی‌شد احکام و آرای فقهی هم جواب وقایع عینی بودند زیرا خود حضرت رسول یاران خود را از پرداختن به مفروضات و موهومات منع فرموده بود، و آن را از قیل و قال و کثرت سؤال باز می‌داشت، در زمان خلیفه دوم بعضی از مسائل مستحدثه که از شمول احکام قرآن و سنت نبوی خارج بود توسط شورایی که با حضور خود او تشکیل می‌شد حل و فصل می‌شد او اهتمام داشت که اهل حل و عقد یعنی کسانی که بر قرآن و سنت مسلط بودند از مدینه خارج نشوند^۱ از طرفی گرویدن ایرانیان به مذهب تشیع و لزوم نصب امام و رئیس حکومت از طرف پیامبر و چرخش آن به طریق موروثی و عصمت جانشینان پیامبر طبق مذهب شیعه از مواردی است که تحت تأثیر سنن سلطنتی ایران که شاه، را دارای فره‌ایزدی و مصون از خطا

می‌دانستند و موروثی هم بود قرار گرفته و این موضوع در تحولات حقوق اسلامی در ایران بسیار تأثیرگذار بوده است در تحولات تاریخ حقوق اسلام در قرون اولیه یکی عدم تدوین فتاوی و آرای فقهی در زمان پیامبر و خلفای راشدین است و جمع‌آوری و تدوین آن در زمانهای بعد و دیگری پراکنده شدن صحابه و صاحب نظران فقهی از مکه و مدینه به علت تسلط بنی‌امیه، بر شهرهای دوردست جهان اسلام و پیدایش اختلاف آراء و مکتب‌های فقهی مختلف در نقاط مختلف جهان اسلام است.

آیین دادرسی در صدر اسلام

از جانبی قضات زمان خلفای راشدین و بنی‌امیه به علت محدود بودن مسائل حادثه و دعاوی مستحدثه تعلق به مکتب خاص یا مذهب خاصی نداشتند ولی بعدها به علت گسترش مسائل مستحدثه و تفاوت‌های مکانی و زمانی مسائل باعث شد که قضات و سیستم قضایی متعلق به یکی از مذاهب چهارگانه اهل تسنن باشند که خود از کتب صحاح سته منشاء گرفته بودند و گاه در شهرهای بزرگ قضات مختلف براساس مشربهای مختلف فقهی و قضایی آرای خود را صادر می‌کردند و هر قاضی مطابق مرجع فقهی خود به مرافعات معتقدان همان مذهب رسیدگی می‌کرد.

در امر قضاوت صدر الاسلام از دو دستور دو خلیفه از فقهای راشدین باید ذکری به میان آورد که هر کدام مسیر و آیین دادرسی را در زمان خود نشان می‌دهد.

۱ - نامه خلیفه دوم عمر به ابوموسی اشعری به نقل از اعلام الموقنین ابن قیم جوزیه «پس از ستایش خداوند و درود بر پیامبر بدان که دادرسی فریضه‌ای استوار و سنتی لازم‌الاتباع است در آنچه فراروی تو می‌آید به درستی بیندیش... در روبرو شدن و دادرسی کردن مردم را برابر شمار تا اشراف به بیداد تو امیدوار نشوند و بیچارگان از دادگری تو ناامید نگردند اثبات ادعا برعهده مدعی و سوگند متوجه مدعی علیه است... هرکس مدعی حقی شد فرصتی برای اثبات آن در اختیار او بگذار اگر از عهده اثبات برآمد حق او را به جای آور وگرنه او را به بی‌حقی محکوم کن... حکمی که در دادرسی‌های امروزه داده‌ای نباید ترا از تجدیدنظر در موارد مشابه و حکم آنچه به حقیقت آن می‌پردازی بازدارد... تأکید می‌کنم که اندیشه‌ات را در وقایع که بر تو عرضه می‌شوند و حکمی در کتاب و سنت ندارند به کارگیر آنگاه اشباه و نظایر مسائل را بر یکدیگر قیاس کن و هرچه را نزد خدا

محبوب‌تر و بر حق نزدیکتر یافتی بر آن تکیه کن... از میدان ندادن به اصحاب دعاوی پرهیز کن، دادرسی و حکم به حق از موجهات برخورداری از ثواب الهی و حسن و شهرت است... سلام و رحمت خداوند بر تو باد.»^۱

۲ - نامه حضرت امیر (ع) به مالک اشتر نخعی

«برای داوری میان مردم مهمترین کس را اختیار کن، کسی که دارای استقلال رأی و شخصیت باشد و از عهده هر حکمی ولو سخت برآید تا اصحاب دعوی نتوانند میل خود را بر او به هنگام دادن رأی تحمیل کنند با این همه قاضی باید خودرأی نباشد و اگر خطایی کرد همین که از آن آگاه شد از آن بازگردد طمع کار نباشد در شکوک و شبیهات درنگ روا دارد تا حجت بر او ثابت نشود حکم ندهد حجت و دلیل را بیش از همه فرا گیرد در کشف حقیقت شکیبیا و در صدور رأی قاطع باشد فریب تملق‌گویان را نخورد جانب یکی از طرفین دعوی تمایل پیدا نکند، عده کسانی که بر این اوصاف باشند کم است پس باید در طلب ایشان بکوشی، از احکام و اعمال دادرسان آگاه شو آنقدر به قاضی ببخش تا زندگی‌اش فراخ باشد و نیازش به مردم کم شود او را نزد خویش بزرگ و گرامی بدار تا دیگری از نزدیکان تو در او طمع نکند»^۲ و همچنین حضرت امیر (ع) به شریح قاضی که از طرف حضرتشان به عنوان قاضی در کوفه (مرکز خلافت خویش) گماشت دستور داد که ۱- در نگاه کردن و احترامات نسبت به هر دو طرف دعوی با موااسات کامل برخورد کند، ۲- هیچ حکمی را بدون تصویب حضرت امیر اجراء نکند ۳- محل دادرسی و دادخواهی را در منزل شخصی خود قرار ندهد بلکه برای قضاوت به مسجد بنشیند و در چنین جایگاه همگانی به دادرسی بپردازد و به او فرمود «ای شریح تو بر سندی نشسته‌ای که جز پیامبر و یا جانشین پیامبر یا شقاوت پیشه‌ای بر آن نمی‌نشیند».^۳

طرز تلقی از منابع حقوق در اسلام - کتاب که همان قرآن کریم است در تمام فرق اسلامی از جمله تسنن و تشیع منبع اول مقررات حقوقی است و در این خصوص اختلاف چندانی بین فرق اسلامی نیست، ولی در استنباط از این منبع اصلی با بعضی از استنباطات

۱. مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق، جلیل امیدوی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، ص ۱۷۲ و ۱۷۱.

۲. تاریخ حقوق، پروفیسور سیدحسن امین، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۳. همان.

مختلف روبرو می‌شویم اصولاً برای فهم مفاهیم قرآن از جمله استنباط مقررات حقوقی نیازمند علوم مختلفی هستیم مانند علم صرف، نحو، معانی بیان، منطق، فلسفه که در زمان تشریح که خود حضرت پیامبر زنده بودند، خود مفسر و شارح مقررات (در موارد اجمال) بودند ولی در طول تاریخ دوران تفریح هرچه قدر از زمان تشریح دورتر می‌شویم بعضی نیازهای علمی و تعاریف پیدا شدند مانند مفاهیمی نظیر، نص، ظن، ظاهر، محکم متشابه، حقیقت و مجاز، امر و نهی، عام و خاص، مطلق مقید، مجمل و مبین ناسخ و منسوخ که در اهل تسنن همه اینها با نقل از گفتار پیامبر و در برخی موارد صحابه ایشان توجیه و تبیین می‌شدند ولی در میان اهل تشیع علاوه بر گفتار حضرت رسول اکرم (ص) از گفتار و بیانات حضرات ائمه معصومین هم تا سال ۲۶۰ هجری قمری سال شروع غیبت کبرای حضرت امام مهدی (ع) ملاک و مدرک استنباط و توجیه احکام قرار می‌گرفت و این عمل مبداء اختلاف دو فرقه بزرگ اسلامی تشیع و تسنن از منبع دوم احکام حقوقی یا سنت قرار گرفت در فقه شیعه هم در ابتدا امثال مرحوم شیخ مفید (ره) سنت را بر طبق اصطلاح فقهاء عامه در گفتار و کردار و تقریر ویژه شخص پیامبر منحصر دانسته‌اند ولی فقهاء متأخر تشیع برای واژه سنت مفهوم وسیعی را در نظر گرفته‌اند و گفته‌اند سنت عبارت است از قول و فعل و تقریر معصومین^۱ و اما در مورد عقل که از منابع حقوق اسلامی ذکر شده است سه نظریه موجود است اول نظریه تفریطی (اشاعره) و (ظاهریین) از اهل سنت و اخباریین اهل تشیع که اعتبار عقل را به طور مطلق انکار کرده‌اند دوم، نظریه افراطی: معتزله و طرفداران قیاس و استحسان عقلی که عقل را به طور مطلق دارای اعتبار می‌دانند و سوم نظریه میانه و معتدل که اصولیان تشیع از آن جمله‌اند که اعتبار عقل را در موارد محدودی می‌پذیرند.^۲

تاریخچه قیاس و اجماع در حقوق اسلام: احکام اسلام در زمان پیامبر (ص) تدریجاً نازل می‌شد و تدریجاً هم ابلاغ می‌گردید، تا وقتی که در هر یک از موضوعات مورد ابتلاء حکمی از جانب خداوند نازل نشده بود مردم عملاً نسبت به آن تکلیف خاصی احساس

۱. اصول الفقه: محمدرضا مظفر، ج ۲، ص ۶۱ به نقل از کتاب درآمدی بر حقوق اسلامی، چ اول، ص ۳۰۹ چاپ ۱۳۶۴، تألیف دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ج اول.

۲. همان ص ۳۳۲.

نمی‌کردند از طرفی جمعیت مسلمانان در زمان حضرت رسول زیاد نبود ولی پس از وفات حضرت رسول مسائل و موضوعات جدیدی پیش می‌آمد که نیاز به حل و عقد می‌داشت این خلاء در میان تشیع تا زمان غیبت حضرت مهدی احساس نمی‌شد ولی این خلاء علمی در فقه اهل سنت آنان را بر آن داشت تا با چاره‌اندیشی این خلاء حکمی را پر کنند به این ترتیب نخست درصدد برآمدند که احکام مجهول را از احکامی که در موارد مشابه آنها ثابت شده بوده به دست بیاورند و مشابهت موضوع را دلیل بر مشابهت حکم بگیرند و لذا منبع دیگری در میان اهل سنت پیدا شد که آن را قیاس نامیدند ولی قیاس مورد مخالفت فقهاء شیعه قرار گرفت و اما اجماع برای نخستین بار اجماع در میان اهل سنت به وجود آمد، زیرا به هنگام برخورد با موضوعات جدید اگر مطلبی مورد اتفاق نظر اهل نظر (فقهاء) قرار می‌گرفت آن را به عنوان یک منبع حقوقی می‌پذیرفتند ولی این منبع تا اوائل قرن چهارم هجری قمری در میان اهل تشیع طرفدارانی نداشت تا اینکه پس از غیبت حضرت امام مهدی علیه‌السلام اهل تشیع هم به ناچار اجماع را یکی از منابع استنباط حقوق اسلام قبول کردند.^۱

تاریخچه جمع‌آوری حدیث در اسلام - در تاریخ حقوق اسلام بحثی به عنوان

حدیث وجود دارد که در آنجا به اختصار آن را می‌آوریم. در مورد حدیث تعاریف چندی شده است به قول آقای شانه‌چی در مجلد ۶ دایرة‌المعارف تشیع «حدیث از این لحاظ حدیث گفته شده که چون گفته پیغمبر و امام را حدیث نامند که در تشریح قوانین الهی تازگی و نوی دارد» بعضی هم گفته‌اند چون حدیث با مقایسه قرآن کلام الهی که قدیم است حدیث یعنی تازه گفته شده است، خبر اعم از حدیث است و حدیث اخص از خبر زیرا خبر به گفته عموم مردم گفته می‌شود ولی حدیث مخصوص گفتار پیامبر و امام است.^۲ به این دلیل مورخین را که وقایع را با سند نقل می‌کند اخباری گویند ولی کسانی را که احادیث را نقل می‌کنند محدث نامند، در استنباط احکام حقوقی اسلام اکتفاء به قرآن و سنت خصوصاً درباره آیات الاحکام صحیح نیست زیرا تقریباً ۵۰۰ آیه از قرآن حاکی از احکام است که آن را هم به طور عام و مطلق و کلی بیان کرده‌اند لذا برای به دست

۱. همان ۳۵۹ تا ۳۶۱.

۲. دایرة‌المعارف تشیع، جلد ۶ ص ۱۴۶.

آوردن جزئیات احکام نیاز به حدیث پیدا شد.

فرق حدیث با سنت: خبر و حدیث اصطلاحاً مساوی با سنت نیست و صرفاً آن هم در صورتی که قابل اعتماد باشد کاشف از سنت است و نه خود سنت.

حدیث یعنی اخبار و روایاتی که از حضرت رسول و ائمه اطهار نقل می‌شود ابتدا پس از فوت حضرت رسول بلافاصله در جمع‌آوری و کتاب آنها اختلاف پیدا شد، گرچه در آغاز همه مسلمین نسبت به استماع و ضبط و نقل احادیث اهتمام ورزیدند ولی ضبط احادیث از طرف اهل تسنن با یکصد سال تأخیر آغاز شد زیرا عمر بن الخطاب و عبدالله بن مسعود و ابوسعید خدری و جمعی دیگر آن را مکروه و ناپسند می‌شمردند ولی حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و انس بن مالک و برخی دیگر آن را لازم می‌شمردند مثلاً در کتب روایی عام بابی به عنوان (کراهة کتابة الحدیث) باز شد، ابوبکر در ایام خلافت خود اهتمام به جمع‌آوری احادیث پیامبر کرد و هنوز ۵۰۰ حدیث بیشتر را جمع نکرده بود که از این کار پشیمان شد و احادیث جمع‌آوری شده را از میان برد.

در زمان عمر و عثمان هم از جمع‌آوری احادیث ممانعت شد و حتی نویسندگان و ناقلین را تازیانه می‌زدند و به زندان روانه می‌کردند، در زمان خلفاء اموی هم از جمع‌آوری و نوشتن احادیث جلوگیری شد ولی این سد توسط عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای اموی شکسته شد و اما برخلاف رویه اهل تسنن اهل تشیع از همان اوان فوت حضرت رسول به جمع‌آوری و کتابت احادیث اهتمام کردند، اولین کسی که اقدام به ضبط و کتابت احادیث فرمودند حضرت علی (ع) بودند و نخستین کتاب حدیث شیعه کتابی است به خط حضرت علی (ع) به نام «صحیفه جامعه» و نیز کتابی به آن حضرت نسبت می‌دهند بنام «فرائض» که بخاری و مسلم و نسائی و دیگران از آن روایت کرده‌اند، حضرت فاطمه (س) نیز کتابی داشته‌اند به نام «صحیفه فاطمه» گذشته از اینها نخستین کتابی که توسط شیعیان نوشته شده کتابی است که ابورافع غلام حضرت رسول نوشته و سپس سلمان فارسی کتابی نوشته در حدیث چائلیق رومی = کاتولیک رومی و صحیفه سجادیه حضرت امام سجاد که به نام زبور آل محمد معروف است زمان امام محمد باقر و امام جعفر صادق (ع) یعنی نیمه اول قرن دوم دوره اوج نقل و روایت و ضبط و کتابت حدیث به

شمار می‌رود و چهار هزار نفر از شاگردان امام جعفر صادق از محدثان بوده‌اند.^۱ و اما در میان اهل تسنن که در زمان عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱) شروع به جمع‌آوری حدیث کردند اولین کس به قولی محمد بن شهاب زهری بود و بعد ربیع بن صبیح و سعد بن ابی عروب و ولی بقولی عبدالملک بن جریح (فوت ۱۴۴ یا ۱۵۰) و به قول دیگر ابوبکر بن حزم را نخستین کسی می‌دانند که به نوشتن احادیث مبادرت کرد.^۲ نخستین جامع حدیثی اهل تسنن (الموطاء) است که مالک ابن انس آن را تدوین نمود و سپس صحاح سته نوشته شده‌اند که شرح آن قبلاً آمده است.



۱. درآمدی بر حقوق اسلامی، ص ۳۷۰ و ۳۸۰ به تلخیص و دایرةالمعارف تشیع جلد ۶ ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۲. همان، ص ۳۸۵ و ۳۸۶.